

معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی - اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها

محمدرضا بمانیان* - استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳

چکیده

موضوع شهر ایرانی - اسلامی همواره با رویکردهای متفاوت مواجه بوده است و هر اندیشمند، دانشمند و کارشناسی از زاویه‌ای بر آن نگریده و متناسب با داده‌های خود تعریفی ارائه کرده است. در این بین پرداختن به مقولات و مفاهیم وابسته و مرتبط به آثار شهرسازی ایرانی - که خود را متصف به جهان‌بینی اسلامی می‌داند و قصد در باز نمود و پدیدار سازی هر آنچه را دارد که در روند دستیابی به حیات طیبه و هستمند زمینی تأثیر دارد - از مهم‌ترین موضوعات و دغدغه‌های اندیشمندانی است که بناها، فضاها و شهر را مکانی در راستای سلوک انسانی و تعالی روحی و معنوی انسان می‌دانند. جامعیت دین اسلام و ارتباط وثیق و عمیق میان جنبه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، ذهنی و نمادین آن با یکدیگر، موجب گردیده بررسی نسبت میان اسلام و شهر نیز از زوایا و جنبه‌های مختلف، همواره مورد مذاقه علمی و تجربه‌های عملی بسیاری از محققان و طراحان شهری اسلامی و غیراسلامی در طول تاریخ باشد. این مقاله با روش پویشی و فراتحلیلی، ضمن بررسی معنا و مفهوم شهر اسلامی و ایرانی - اسلامی، با توجه به جامعیت و بالندگی مفهوم شهر اسلامی، به عنوان مصداق یکی از شاخص‌های

هویت‌دهنده به شهر ایرانی - اسلامی، که موضوع مدیریت آن است،
با الهام از مبانی ایرانی - اسلامی، ویژگی‌های بومی مطلوب محله‌ای
و مدیریت توسعه محله‌ای ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: اسلامی - ایرانی، شهر اسلامی، شهرسازی، محله،
مدیریت.

مقدمه

دین مبین اسلام که در بین ادیان الهی کامل‌ترین دین محسوب می‌شود، دارای آموزه‌های مفید و
مثمری است که بی‌تردید با مطالعه و تجزیه و تحلیل آن می‌توان به معیارهای پسندیده‌ای در برنامه‌ریزی و
طراحی شهری دست یافت. همچنین موارد و مصداق‌های بسیاری در شهرهای سنتی ایرانی - اسلامی وجود دارد
که می‌توان با معاصر سازی آن‌ها به اهداف فوق نائل آمد. ذکر این نکته نیز ضروری است که شهر ایرانی -
اسلامی علاوه بر آن که لازم است مفاهیم مربوط به متون پایه و مصداق‌های تاریخی را مدنظر داشته باشد، باید
متناسب با زندگی شهری امروز و الزامات شهرهای آینده زمینه رفاه شهروندان در زمینه‌های مختلف را نیز فراهم
آورد.

یکی از مسائلی که جوامع در عصر حاضر به آن دچارند، جدایی انسان از مبانی معنوی و تمرکز بر جنبه‌های
مادی حیات است. از جمله در موضوع شهرسازی، شهرها از محیط و فضاهایی با کالبد مادی تشکیل شده‌اند و با
محیط و فضاهایی که پیام و معنایی معنوی و روحانی را القا نمایند، بیگانه‌اند. شهرهای امروزی فاقد اصول و
ارزش‌های معنوی، اعتقادی و نیز ویژگی‌ها و مشخصه‌های بومی و محلی‌اند و فقدان معیارهای مبتنی بر مبانی
نظری برآمده از فرهنگ اسلامی - ایرانی در همه عناصر و اجزای آن‌ها سیطره یافته است.^۱

هرچند تاکنون مطالب زیادی در مورد شهر اسلامی و هویت ایرانی - اسلامی شهرها در قالب پایان‌نامه و
مقاله ارائه شده است؛ لیکن این‌گونه مطالب چندان کاربردی نبوده و راهکار و دستورالعمل مشخصی را تهیه و
تدوین ننموده‌اند.

هرچند تعابیر و اصطلاحاتی مانند «شهر اسلامی»، «شهرسازی اسلامی»، «شهر مسلمین»، «شهر دوره

^۱. در اینجا شهرهای ایرانی مدنظر است.

اسلامی»، «شهر ایرانی - اسلامی» و «شهر اسلامی - ایرانی» در ادبیات شهر و شهرسازی کاربرد فراوان دارند و گاهی به جای یکدیگر نیز به کار برده شده‌اند؛ اما باید این تعابیر را از یکدیگر تمیز داد و آن‌ها را به جای یکدیگر به کار نبرد. با توجه به این که در مقاله حاضر به معنا و مفهوم «شهر اسلامی» و «شهر ایرانی - اسلامی» پرداخته خواهد شد؛ به این بیان اکتفا می‌کنیم که: «شهر مسلمین» به شهری اطلاق می‌شود که دارای یک یا مجموعه‌ای از مشخصات زیر باشد: در دوره اسلامی ایجاد شده باشد، در دوره اسلامی رشد یافته باشد، توسط مسلمانان بنا شده باشد، در محدوده جغرافیایی ممالک مسلمان‌نشین واقع شده باشد و نهایتاً کم‌وبیش متأثر از تعالیم اسلامی و اصول و ارزش‌های منبعث از آن باشد. همچنین براساس این که مسلمانان معیارهای اسلامی را چگونه برداشت نموده‌اند و کاربست آن‌ها را در برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت شهر به چه صورت منظور نموده‌اند، شهر می‌تواند اسلامی، یا برخوردار از درجه از اسلامی بودن باشد.

«شهرسازی اسلامی» مشتمل بر میانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی (به انضمام روش طراحی و برنامه‌ریزی و اجرایی متکی بر آن‌ها) است که باید بر محیط زندگی مسلمین و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش (جامعه) حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج شده و دربردارنده عوامل مهم فرهنگی - ملی‌اند.^۱

«شهر مسلمین» را می‌توان به شهری نیز اطلاق نمود که اکثریت ساکنانش را مسلمانان تشکیل دهند، شهرهای مسلمان‌نشین را می‌توان، شهر مسلمین قلمداد نمود. شهرهای مسلمانان در دوره اسلامی همچون بسیاری از آثار آنان فقط از آن جهت اسلامی نیستند که توسط مسلمانان به‌وجود آمده‌اند، بلکه این آثار به آن جهت اسلامی نامیده می‌شوند که مثل شریعت و طریقت از تعالیم عالیه اسلام الهام گرفته‌اند. این آثار حقایق و جان اسلام را در عالم هستی متجلی می‌سازند (نصر، ۱۳۵۷ و نقی‌زاده، ۱۳۸۹). در الگوی شهر ایرانی - اسلامی عامل مسلط دین اسلام است از آنجایی که شهر اسلامی - ایرانی متأثر از شهروندان ایرانی مؤمن و مسلمانی است که به آن هویت می‌دهند و شهرسازی و کالبد شهر براساس الگوها و معیارهای ویژه مذهبی و اسلامی سامان‌دهی می‌شود که مدیریتی درخور را طلب کرده و دارای معنا و روحی خواهد بود که هویت‌های شهر را آشکار می‌کند. یکی از شاخص‌های هویت‌دهنده به شهر ایرانی - اسلامی نیز موضوع مدیریت آن است. شهر

۱. منظور عوامل فرهنگی - ملی است که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تضاد و تناقض نباشند.

ایرانی - اسلامی نیازمند مدیریت است؛ مدیریتی که بزرگ‌ترین سرمایه شهر یعنی سرمایه انسانی را راهبری کند. مقاله حاضر در ابتدا به اهمیت و ضرورت موضوع پرداخته و سپس معنا و مفهوم شهر اسلامی و شهر ایرانی - اسلامی را مورد توجه قرار داده است، در ادامه موضوع مدیریت شهر ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی شهر مورد تحلیل قرار گرفته و ویژگی‌های بومی مطلوب محله‌ای و مدیریت توسعه محله‌ای بیان شده است. در انتها نیز نتیجه‌گیری لازم بیان شده است.

اهمیت و ضرورت موضوع

شهرهای امروز مسلمین تقلیدی ناقص از الگوهای شهرسازی و روش‌های زیستی است که در مغرب‌زمین ساخته و در پیش گرفته شده‌اند. شهرهای جدید فاقد هرگونه هویت ملی، بومی و اسلامی و تاریخی هستند و نه تنها نتوانسته‌اند تداوم حیات تاریخی جامعه را به نمایش بگذارند که فراتر از آن ارتباط جامعه را با تاریخ و گذشته خویش قطع نموده و احساس غربت و بیگانگی را در ساکنان خویش رشد داده‌اند. این در حالی است که در گذشته شهرهای مسلمین در شرایط محیطی و اقلیمی متفاوت و در زمان‌های گوناگون و با شرایط اقتصادی و سیاسی متنوع، هرکدام جلوه‌هایی از تفکر، باورها و فرهنگ اهل خویش را به نمایش می‌گذاشتند و با تفسیر اصول و شناخت و به کارگیری راه‌حل‌های بومی که برای موضوعات خاص محیطی و انسانی ارائه می‌نمودند به خوبی می‌توانستند در یک تعامل مفید و سازنده و تأثیرگذار با سایر شهرها ایفای نقش کنند.

شهرهای امروز در ممالک اسلامی به تقلید از آنچه در مغرب‌زمین ساخته شده و به عنوان الگوی آرمانی جوامع جهان سوم مطرح است سیما و فضایی هم‌سان و هم‌شکل یافته‌اند که در بسیاری موارد نه تنها با شرایط فرهنگی، محیطی و اقلیمی و حتی اقتصادی جامعه تناسبی ندارند که فراتر از آن با آنچه ملی و بومی است در تقابل و تضاد است. به همین دلیل غالباً وقتی بحث بر سر هویت شهر یا حفظ و حراست از هویت و معرفی آن به میان می‌آید، نظرات متوجه بافت‌های تاریخی می‌شوند که این بافت‌ها نیز غالباً به دلیل تبلیغات سویی که در مورد عدم کارایی و سایر مشکلات آن‌ها می‌شود و نیز به دلیل حجم تبلیغات مثبت برای توسعه‌های جدید، وجهه‌ای برای کار، فعالیت و زندگی ندارند. در واقع نوعی نگرش موزه‌ای و حفاظتی و نه نگرشی مثبت و فعال و اصولی بر موضوعات مرتبط با بافت‌های تاریخی شهرها حاکم است.

طی دهه‌های گذشته، فکر لزوم احیای ارزش‌های اسلامی در شهرهای مسلمانان یا حداقل آگاهی به این امر که مجتمع‌های مسلمانان در گذشته هویت خاص خود را داشته‌اند که امروزه آن را از دست داده‌اند، رشد یافته است. با ظهور انقلاب اسلامی در ایران - که صفت اسلامی ویژگی فرهنگی آن را برجسته می‌ساخت - و با بیداری سایر ملل اسلامی، این امید افزایش یافت که بتوان مجتمعی را بر مبنای اصول و ارزش‌ها و تفکر اسلامی بنیان نهاد.

اسلام ارزش‌های تعالی‌جویانه‌ای را در زمینه شهر و محیط زندگی انسانی مطرح کرده که امروزه با ظهور فرهنگ جدید و غفلت از ابعاد معنوی و الهی انسان مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. برای احیای این ارزش‌ها در شهرسازی معاصر لازم است آن‌ها از حالت عام و کلی به مسئله تخصصی در علم شهرسازی تبدیل شوند. این کار با طرح هر اصل اسلامی و تشریح ابعاد گوناگون آن و تعارضات احتمالی‌ای آغاز می‌شود که برای تحقق آن در عصر امروز رخ می‌دهند. پاسخ دادن به این مسائل و یافتن یک جواب نهایی نسبتاً منطقی و جامع تنها با شناخت دقیق اولویت‌بندی اسلامی امکان‌پذیر است.

اسلام، به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین توحیدی در قلمروهای متکثری از شئون زندگی بشر ورود پیدا کرده است. به عبارت دیگر اسلام در دستورالعمل‌هایی مادی و معنوی به آنچه در زندگی دنیوی و حیات اخروی بشر مورد توجه است پرداخته و به آئین «شایسته‌ای» نظام بخشیده است. سکونت نیز از این مقوله مستثنی نیست؛ کیفیت سکونت و شرایط پایداری مبتنی بر محتوای این دین توحیدی در مقیاس‌های متعدد، متفاوت و با موضوعات مختلف تفسیر شده است. مفهوم اجتهاد زمینه‌ای متناسب برای تجزیه و تحلیل موضوعات قدیم و جدید است و به استناد دیدگاه اسلامی رویکرد این نگرش به آینده نظر دارد و به باور اسلام آینده متعلق به حقیقت خواهد بود.

در حوزه سکونت شهرهای معاصر بیش از همیشه به آرمان‌گرایی مطرح در اسلام نیازمندند. امروزه اغتشاش و شرایط ناپایدار انسانی و محیطی به حداکثر رسیده و آثار و نتایج آن از تقویت نامتناسب زندگی فردی تا گسیختگی اجتماعی و گسترده‌ی سطح آلودگی‌های محیطی و... به تهدیدات عمده جهانی چون تغییرات اقلیمی و گرم شدن کره زمین منجر شده است.

مذاهب می‌توانند در طرز تلقی افراد و یا جمعیت‌های انسانی نسبت به مکان دخالت کنند، از این رو می‌توان

با شناسایی عناصر سازنده ایمان در فضا، در حفاظت محیطی و مسئولیت اجتماعی مکان کوشید. در این دیدگاه مکان‌ها تبدیل به مراکزی سرشار از مفاهیم عمیق از وجود بشری می‌شوند (Butterfield, 2004: 20). مکان دینی در این رهگذر نقطه اشتراک مفاهیم قدسی، شاخص‌های کالبدی پذیرفته‌شده اعتقادی و فعالیت حق‌جویانه و ارزشمند است (Canter, 1971: 14). در بررسی تاریخ گذشته درمی‌یابیم موضوع «مدیریت» همواره مورد توجه و اهتمام ویژه عالمان و انبیاء دین بوده است. مدیریت شهرهای اسلامی به عنوان محل زیست انسان‌های مسلمان همیشه از زاویای مختلف معنایی و متقابلاً کالبدی بر ساختار شهر اسلامی تأثیر فراوانی داشته است.

معنا و مفهوم شهر اسلامی

رواج عنوان «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان (به‌ویژه «شهر اسلامی» نامیده شدن شهرهای تاریخی ممالک اسلامی یا شهرهای مسلمان‌نشین)^۱ از قرن نوزدهم میلادی و توسط مستشرقان آغاز شد. از آن دوران به بعد «شهر اسلامی» که به شهرهای ساخته‌شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان اطلاق می‌شد، به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تتبعات شهری سکونتگاه‌های مسلمانان، بر این اساس که با حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند، در ادبیات غرب تثبیت شد (نقی‌زاده، ۱۳۹۰).

انسان براساس جهان‌بینی خود همواره با محیط در هم‌کنشی بوده و تأثیر و تأثر این دو «بر» و «از» یکدیگر اساس بسیاری از مطالعات را شکل داده است. تأثیر انسان بر محیط بر پایه جهان‌بینی یا فلسفه زندگی شکل می‌گیرد؛ این تأثیر به گونه‌ای پابرجاست که عده‌ای معتقدند برای نمونه شهر اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها با درک اصول و قوانین آن می‌توان با اکولوژی شهرهای اسلامی آشنا شد. از این رو احداث و شکل‌گیری شهر در تمدن انسانی همواره بیان‌کننده ایدئولوژی و جهان‌بینی حاکم بر آن جوامع بوده است؛ به همین جهت در محیط‌های جغرافیایی متباین، شهرها را با نقش و اهمیت متفاوت و با رشد ناهماهنگ و

^۱ با این فرض که این شهرها، از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده و از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایزند.

ناهمسان می‌بینیم (فرید، ۱۳۷۵: ۵۳۲).

کلمات مرتبط با شهر که در آیات قرآن کریم آمده‌اند عبارت‌اند از:

- «قریه» و مشتقات آن ۵۷ مرتبه
- «المدینه» و «المدائن» ۱۷ بار، ظاهراً از آن جهت به شهر مدینه گفته می‌شود که مردم در آن اقامت دارند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶ ص ۲۴۴).
- «بلد» که به چهار صورت بلد، بلده، بلدا و البلاد و در مجموع ۱۹ بار آمده، مکانی است خط‌کشی‌شده، محدود و انس و الفت‌دهنده ساکنان آنجا و اقامت و سکنی دادن آن‌ها در آنجاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۶۳).
- «دار»، «دارکم» و «دارهم» در مجموع ۳۲ بار، به این اعتبار به شهر «دار» گفته می‌شود که اطراف و دور تا دورش دیوار و حصار کشیده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۹۶). جمع آن به صورت «الدیار»، «دیارکم»، «دیارنا» و «دیارهم» در مجموع ۱۶ بار آمده است.

با تدبر در معانی کلمات، مشخص می‌شود در الگوی مبانی دینی اسلام، کلمه شهر از قوانین مدون شریعت اخذ شده است. زندگی به شیوه اسلامی که مبتنی بر هدف تعالی انسان است، بدون تلاش در جهت به کار بستن دستورالعمل منطبق بر ارزش‌های دینی، امکان‌پذیر نخواهد بود. در واقع قرآن (در آیه ۲۰۵ سوره بقره) و نیز سنت، صریحاً بی‌نظمی در هر کدام از جنبه‌های زندگی را محکوم نموده و استفاده از تمامی امکانات و اقدامات سازمان‌یافته در جهت دستیابی به ارزش‌های اسلامی را ضروری می‌دانند. طراحی و مقررات شهرسازی (ساخت محیط)، که تأثیر بسزایی در تحقق و تقویت اصول اجتماعی اسلام دارد، یکی از این تلاش‌ها است. در این میان اهداف و اصول خاصی نیز وجود دارند که توجه به آن‌ها در برنامه‌ریزی «ساخت محیط» اسلامی و روش‌های اجرا و تحقق آن، حیاتی است (مرتضی، ۱۳۸۷: ۹۰).

قرآن کریم به عنوان قانون اساسی دین اسلام و نیز بهترین نسخه شفاف‌بخش آلام روحی و جسمی انسان‌ها که دربرگیرنده تمامی نیازهای دنیوی، اخروی، فردی و اجتماعی انسان‌ها است، به مقوله شهر نیز توجه ویژه‌ای داشته و در آیات بسیاری به این مسئله مهم پرداخته است، تا جایی که خداوند متعال دوبار به شهر قسم می‌خورد: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» مراد از شهر در این آیات، شهر مکه معظمه است. شهر مکه به عنوان

الگوی شهر اسلامی و به عنوان ام‌القرای اسلام نامیده شده است.

از این منظر، شهر در اسلام در جایگاه بسیار بلندی قرار گرفته و در قاموس هیچ اندیشه و مکتبی با این عظمت از آن یاد نشده است. از طرف دیگر، اندیشمندان اسلامی همواره برای رسیدن به جامعه ایده‌آل و شهر اسلامی که در آن به خواسته‌های مادی و معنوی برسند، تلاش کرده‌اند. دستیابی به شهری که بستر رشد کمالات انسانی را فراهم کند، نیازمند اندیشه‌هایی بوده است؛ تا با شناخت ابعاد وجودی نیازهای واقعی انسان و شناسایی و باور کردن آن‌ها به تجلی آن به پیدایش تمدن‌های بشری بینجامد. نکته‌ای که شهرسازان نباید از آن عدول کنند، ترسیم اندیشه‌های هنر اسلامی در بهره‌گیری از جهان هستی برای تعالی انسان‌هاست. ترویج صحیح این اندیشه، سبب تجلی و ظهور شهرهای برگرفته از تمدن اسلامی خواهد شد.

شهر اسلامی در تعالیم اسلامی، حائز مباحث گسترده و وسیعی بوده است. به نظر می‌رسد شهر اسلامی تنها شهری با مناره‌ها و گنبد‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع و دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام نیست؛ بلکه شهری است با انسان‌های موحد و با عقایدی که نشأت گرفته از آموزه‌های اسلامی است.

شهر اسلامی، شهری است که به طور نسبی، براساس اصول و آموزه‌های قرآنی و نبوی ساخته شده است (Jamalinezh & others, 2012: 33). شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری، مصالح، دانش و هنر و فرهنگ بومی (که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشند) تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۹). شهر اسلامی، مکانی است که در آن احکام اسلامی جاری بوده و براساس فرهنگ اسلامی ساخته شده باشد. در الگوی شهر اسلامی عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این نظام هویت می‌یابند (ایازی، ۱۳۷۸: ۱۰۲). به عبارت دیگر شهر اسلامی، شهری است که براساس مبانی و آموزه‌های مطابقی یا تضمینی یا التزامی قرآن و روایات صحیح بنا شده باشد. حال آن که مراد از شهر مسلمانان شهری است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند (شکرانی، ۱۳۷۸: ۲۳۶).

«شهر اسلامی» ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمان خاص تجلی کالبدی خاص خویش را خواهد داشت، فی‌المثل اگر اصلی همچون «تعادل» را از اصول شهر (شهرسازی) اسلامی بدانیم، نحوه تجلی آن در

اقلیم مختلف، با توجه به فرهنگ بومی، مصالح در دسترس، شرایط زمان، شرایط اقتصادی و سایر عوامل محلی و محیطی دیگر متغیر خواهد بود.

شهر اسلامی، شهری است که در آن احکام و قوانین الهی حاکم است، نه احکام و قوانین مجعول بشری؛ دین اسلام توصیه‌هایی در باب حقوق، معیشت، معاملات، جزا، روابط اجتماعی، اخلاقی و معماری دارد؛ شهر اسلامی که براساس این ارزش‌ها و توصیه‌ها شکل گیرد، شهر مطلوب الهی خواهد بود.

معنا و مفهوم شهر ایرانی - اسلامی

از آنجایی که شهر مجموعه‌ای زنده از کلیه اموری است که در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با زندگی ساکنان آن است؛ لذا باید همه جوانب فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی، سیاسی، زمانی، مکانی و تاریخی شهر توأمان مورد توجه قرار گیرند. از طرفی در شهر ایرانی - اسلامی، این ویژگی‌ها باید در زمینه و بستر ایرانی و برپایه تعالیم اسلامی و فرهنگی در جامعه اسلامی تبیین شوند.

شهر ایرانی - اسلامی، متشکل از مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی‌اند (که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند). اجمالاً باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) است (نقی‌زاده، ۱۳۷۹).

محور قرار دادن انسان، مهم‌ترین ارتباطات او را با عرصه‌های دیگر هستی در چهار مورد زیر برمی‌شمرد:

- ارتباط انسان با خدا؛
- ارتباط انسان با خود؛
- ارتباط انسان با جهان هستی؛
- ارتباط انسان با هم‌نوعان خود (علامه جعفری، ۱۳۷۸: ۱۲).

این ارتباطات چهارگانه از سوی آیت‌الله جوادی‌آملی نیز تأکید شده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰: ۷). به نظر می‌رسد مسئله تاریخ، در دسته‌بندی این دو اندیشمند در درون دو مورد آخر قرار گرفته است. تاریخ، ساخته

مشترک جهان هستی و هم‌نوعان انسان است. در رابطه با شهر ایرانی - اسلامی می‌توان این‌گونه بیان نمود: وقتی می‌توان صفت اسلامی را به شهر به عنوان یک شیء انسان‌ساخته اطلاق نمود که آن شیء براساس تعالیم اسلامی به وجود آمده و به گونه‌ای در خدمت انسان قرار گرفته باشد و در عین پاسخ‌گویی به نیازهای مادی او، وی را به سمت ارزش‌های اسلامی هدایت نماید. بیان ایرانی برای شهر نیز مصداق مکانی موضوع را نشان می‌دهد. از طرفی نیز اسلامی بودن برای شهر نشانگر این است که این مکان باید تجلی‌گاه و یادآور ارزش‌های اسلامی نیز باشد. در قرآن مبین برای شهر، به صفات مناسب زیستی اشاره می‌شود و در حقیقت شهر اسلامی با نیازهای انسان و نوع جهان‌بینی او تطابق و همسازي دارد. طبیعی است که در این راه فضای زندگی نیز باید با روش زیستی که اسلام تعریف می‌نماید هماهنگ باشد. ایرانی بودن نیز سابقه و پیشینه غنی و پرمحتوایی از تجربیات هوشمند ایرانیان را با خود به همراه داشته است.

مدیریت شهر ایرانی - اسلامی

در الگوی شهر ایرانی - اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمامی شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابند. یکی از شاخص‌های هویت‌دهنده به شهر ایرانی - اسلامی، موضوع مدیریت آن است.

سرمایه انسانی هر شهری بزرگ‌ترین سرمایه آن است که نیاز به مدیریت دارد. مردم یک شهر باید مدیریت داشته باشند که موجب شود، آن‌ها مطابق آنچه برایشان مفید است، عمل کنند و آن‌ها را به وسیله نیرویی از انجام چیزهای که برایشان زیان‌بار است، منع کند (بعلی، ۱۳۸۲: ۶۹). با بررسی تاریخ اقوام گذشته و دیگر پیامبران الهی که بخشی از آن در قرآن کریم آمده است، به خوبی می‌توان چهره شهرها را در تاریخ انبیا تبیین کرد، از مجموع آیات الهی چنین برمی‌آید که شهر اسلامی از تقدس خاصی برخوردار است؛ تا جایی که «مدیریت» و «حکمرانی» بر شهرهای مسلمانان در طول تاریخ اسلام همواره مورد توجه و اهتمام ویژه عالمان و انبیا دین بوده است.

نحوه شکل‌گیری اصول مدیریتی شهر اسلامی - تاریخی عمدتاً به ارزش‌ها و اعتقادهای فرهنگی بستگی دارد که ریشه در ماهیت احکام اسلامی داشته است؛ به طوری که جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان و از جمله

ساخت سکونتگاه‌ها را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است.

مدیریت شهرهای اسلامی و زیست‌انسان‌های مسلمان، از زاویه معنایی و معنوی بر کالبد و ساختار شهر اسلامی دارای تعریف خاصی است. در شهر اسلامی صرفاً وجود مسجد، گنبد و گلدسته و سایر بناهای اسلامی ملاک نیست. بلکه شهر اسلامی متأثر از شهروندان مذهبی است که به شهر هویت مستقل مذهبی و اسلامی می‌دهند و معماری و کالبد شهر براساس الگوها و معیارهای ویژه مذهبی و اسلامی سامان‌دهی می‌شود که مدیریتی درخور را طلب کرده و دارای معنا و روحی خواهد بود که هویت‌های شهر را آشکار می‌کند (داوودآبادی فراهانی، ۱۳۹۰: ۵۴).

از جمله منابع اصیل و بنیادین در تشریح رویکرد اسلام به «مدیریت اسلامی شهرها» قرآن کریم است. وجود واژه‌های «المدینه» ۱۴ مرتبه، «بلد» ۱۴ مرتبه و «البلاد» ۵ مرتبه که در قرآن آمده‌اند؛ به طور مستقیم و با غیرمستقیم، با توصیف ویژگی‌های شهر اسلامی و مدیریت آن ارتباط دارند. خداوند متعال در دو نوبت در خصوص توجه به مدیریت شهرهای اسلامی جهت حفظ حرمت و امنیت آن به شهر سوگند یاد می‌کند:

إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ تَعْبُدُوا رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي كَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمْرَتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ: من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را که - خداوند - آن را مقدس شمرده و هرچیزی از آن اوست پرستش کنم و امر شده‌ام که از مسلمانان باشم.

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ. وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ: قسم به این شهر و تو که در این شهر سکنی گزیده‌ای.
وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ: و سوگند به این شهر ایمن.

در آیات فوق - که در شهر مکه نازل شده است - مشاهده می‌شود که یک شهر می‌تواند به قدری تقدس یابد که خداوند به آن سوگند یاد کند.

پیامبر و کسانی که در طول تاریخ نخستین شهرهای اسلامی را مدیریت کرده‌اند، متعهد به پذیرایی از نوکیشان (یا نوگرویده‌ها به دین اسلام) بودند، همان‌گونه که مدینه پذیرای مهاجران مکه بود. این شهرها را دارالهجره نامیدند؛ یعنی مکانی که مسلمانان به آنجا می‌آمدند تا زندگی اسلامی را در عمل پیاده کنند. از طریق آن‌ها بود که اسلام به قاره آفریقا و جنوب اروپا گسترش یافت و در نتیجه شماری از شهرهای پررونق، پدیدار شدند.

این نقش معتبر (مذهبی) در شیوه مدیریت اسلامی شهرهای اولیه به تدریج با آمیزش انگیزه‌های سیاسی کم‌رنگ شد و بخش‌های گوناگون دنیای اسلام پیوند سنتی‌اش را با خلافت اصلی در شرق گسیخت و اختلافات و درگیری‌های محلی، در کنار افراد خانه‌به‌دوش به فرایند افول یا زوال شهری انجامید (باوندیان، ۱۳۷۸: ۲۱).

در قرآن کریم مدیریت شهری اهمیت ویژه‌ای دارد، تا جایی که وقتی حضرت موسی(ع) شهر را برای مدت زمانی ترک کرد. خداوند برای ایشان جانشینی در شهر قرار داد؛ تا مردم را سازمان‌دهی کند و از فساد آنان جلوگیری نماید.^۱

براین اساس حضرت موسی(ع) تا پایان مناجاتش با خداوند برادرش هارون را به رهبری بنی‌اسرائیل منصوب کرد و امت خویش را حتی برای مدت کوتاهی (زمان دوری از قوم برای مناجات) بدون رهبر رها نگذاشت.

یکی از تأکیدهای دین مبین اسلام واگذاری امور جامعه به دست افراد دانشمند و خردمند است؛ دانش و آگاهی مدیران شهری نسبت به قوانین و مقررات اسلامی به‌ویژه در بعد مدیریت امور مردم. به استناد آیه شریفه: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» آگاهی و دانایی به وظایف محوله در شهر اولین شرط لازم و ضروری مدیریت شهر اسلامی است. در تفسیر این آیه آمده است: تعبیر «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است، چراکه «علیم» را در کنار «حفیظ» قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱).

همچنین مدیریت شهر اسلامی هرگز در قبال خدماتی که ارائه می‌کند، حق منت نهادن بر مردم را ندارد. امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر که در آن زمان استاندار بود و وظایف شهرداری را نیز برعهده داشت، می‌فرماید: «مبادا هرگز با خدمات‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری یا مردم را وعده‌ای داده سپس خلف وعده نمایی!» (نهج‌البلاغه، نامه: ۵۳). همچنین حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: «مهم‌ترین وسیله لازم برای مدیریت داشتن سعه‌صدر و سینه گشاده می‌باشد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۲).

از ضروری‌ترین نیازهای هر شهر اسلامی، داشتن مدیریت شهر است. در آموزه‌های اسلامی مجهز بودن

^۱ «وَإِعْدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتِ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ».

مدیریت شهر اسلامی به دانش و آگاهی برای مواجهه با کار سخت، رمز موفقیت و حرکت در این راستا منجر به افزایش طاقت و توان مدیریت شهر برای کارکردن در محیط سخت و از سوی دیگر منجر به ارائه خدمات‌دهی بیشتر و مطلوب‌تر به مردم می‌شود. مدیریت هوشمند و با دانش، قادر است عوامل مختلف و تأثیرگذار را برای مشارکت در توسعه و آبادانی شهر جذب کند. مدیریت شهر اسلامی به شرطی در کار خود موفق است که قادر به جذب مشارکت و همراهی مردم در همه عرصه‌های امور شهری باشد. یک ساختار موفق در سازمان مدیریت شهری به دنبال ایجاد محیطی شاداب، آرام، دلنشین و بدون تنش است؛ زیرا در چنین محیطی است که خدمات بیشتری به مردم ارائه می‌شود.

ویژگی‌های مدیریت بر مبنای آموزه‌های اسلامی

ویژگی‌های مدیریت بر مبنای آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی نشأت گرفته از مبانی فکری و عقیدتی اسلامی و همچنین وجوه تفاوت با مدیریت در سایر نظام‌هاست:

جهان‌بینی مدیر

در مدیریت اسلامی در نگرش مدیران به هویت انسان علاوه بر بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، نگرش الهی نیز وجود دارد؛ یعنی به انسان با این دید نگریسته می‌شود که وی لایق کرامت انسانی بوده و مستعد رسیدن به قرب الهی و نیل به مقام جانشینی خداست. در نگرش به کار و کارکنان، مدیری که شیوه کار او منبعث از آموزه‌های اسلامی است، امور را شخصی نمی‌داند، بلکه آن را الهی تلقی می‌کند، درحالی‌که مدیریت در نظام‌های دیگر، بسان حرب‌های تلقی می‌گردد که به انسان قدرت می‌دهد تا در عرصه تمایلات شخصی خویش کوشش نماید و به اهداف شخصی خود دست یابد.

مهارت‌ها و توانایی‌های مدیر

مهارت‌ها و شایستگی‌هایی مدیران در تأمین موفقیت‌آمیز اهداف تأثیر بسزایی دارد، همچنین می‌توان یکی از شاخص‌های سنجش عملکرد مدیران را توانایی‌های آنان به‌شمار آورد. در نظام مدیریت اسلامی مهارت ارتباط با خدا دارای بیشترین اهمیت است و در اصطلاح، «تقوا» نامیده می‌شود.

اگر مدیر مهارت ارتباط با خدا را داشته باشد خروج از مشکلات برایش آسان می‌شود و بهتر می‌تواند از

مشکلات رهایی یابد، این همان مفهومی است که از بیان آیات الهی نیز مستفاد می‌شود:

«مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»: هرکس پرهیزگار باشد خدا راه بیرون شدن (از بلاها و حوادث ناگوار و مشکلات) را بر او می‌گشاید. (طلاق: ۲)؛ در جای دیگر می‌فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»: هرکس متقی و خداترس باشد، خدا مشکلات کار او را آسان می‌گرداند (طلاق: ۴).

مهارت بعدی، روابط انسانی است که ارتباط نزدیکی با مهارت‌های مرحله اول دارد؛ زیرا پس از ارتباط بنده با مولای خود، رابطه وی با بندگان خدا و مشی در حوائج آن‌ها، موجب رضای پروردگار است و این به یک معنا بر عمومیت مهارت اول تأیید دارد. با این وصف، انسان در آینه ارتباط، هم نیازمند رابطه با خداست و هم خلق خدا. مدیران نیز در هرم سازمان اسلامی نیاز به هر دو مهارت دارند. روشن است که مدیر با داشتن مهارت دوم، می‌تواند استعدادها و منابع انسانی را جذب نماید و موجب حل معضلات اجتماعی گردد. با توجه به اهمیت برقراری ارتباط و وابستگی قوام اجتماع به آن، دارا بودن توانایی در روابط انسانی برای مدیران ضروری است. آنچه از بیانات ائمه اطهار: فهمیده می‌شود مهر تأییدی بر این مطلب است: امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَنْه لَأُبْدَ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتُهُ وَ النَّاسُ لَأُبْدَ لِيَعْضِيهِمْ مِنْ بَعْضٍ»؛ ناگزیر، شما به مردم نیاز دارید؛ چون هیچ‌کس در زندگیش از مردم بی‌نیاز نیست و بعضی از افراد به برخی دیگر محتاج‌اند. در فرازی از حدیث امام سجاده (ع) نیز چنین آمده است: «إِنَّمَا النَّاسُ بِالنَّاسِ...»؛ همانا قوام مردم به مردم است.

نیاز به مردم اصلی است که یک مدیر باید پیوسته بدان توجه نماید و طوری عمل کند که بتواند از امکانات آن‌ها بهره‌وری نماید؛ چراکه در مدیریت کار کردن به کمک دیگران میسر است.

جلب رضایت عموم مردم

در نظام مدیریت اسلامی اگرچه انسان محور است، اما فقط انسان عامل کلیدی نیست، بلکه رضایت عموم مردم، اعم از افراد درون مجموعه و اشخاص مرتبط با آن نیز عامل کلیدی به حساب می‌آید. به دیگر سخن رضای حق تعالی، که در خشنودی رعیت نهفته شده، عامل بسیار مهمی است که در بستر جامعه باید بدان اندیشید. امیرالمؤمنین علی (ع)، در سفارش‌های مهم خود به مالک اشتر نخعی، رضایت عموم و ترجیح آن را بر تمایلات گروه اندک (خاص) مورد تأکید قرار داده‌اند:

«... وَ لِيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ... أَجْمَعَهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سَخَطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَ إِنْ سَخَطَ

الْخَاصَّةُ يُعْتَفَرُ مَعَ رَضَى الْعَامَّةُ»: باید محبوب‌ترین کارها نزد تو کاری باشد که با رضایت توده مردم هماهنگ تر است؛ زیرا خشم توده مردم، خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد، اما ناخشنودی خاصان با رضایت عموم جبران‌پذیر است.

داشتن ویژگی‌های روانی و رفتاری مناسب

در نظام مدیریت اسلامی، نگرانی مدیر بیش از همه، ادای تکلیف و رضایت خداوند قادر متعال است که دارای اهمیت ویژه‌ای است. با اذعان به این که کارکنان و شخصیت انسانی آن‌ها و ارزشیابی هویت افراد، توجه مدیر را به خود معطوف می‌دارد. مدیر در چنین نظامی منعطف، صبور و شکیباست. یکی دیگر از اوصاف مدیر در چنین نظامی، اعتقاد وی به پذیرش اشتباه است. مدیر اسلامی در قبال خطای دیگران نیز با اذعان به تذکار، چنان پوششی بر گناه آنان می‌نهد که آن‌ها در موضع انفعالی قرار می‌گیرند و از کرده خویش ناد می‌گردند. مدیر از عفو و بخشش خود پشیمان نمی‌شود، همان‌گونه که مولای متقیان، علی(ع)، مالک اشتر را به آن توصیه نموده‌اند: «و لا تَنْدِمَنَّ عَلٰی عَفْوٍ؛ هرگز از عفو و گذشتی که نموده‌ای پشیمان مباش.

برقراری ارتباط مناسب با ذی‌نفعان

در نظام مدیریت اسلامی برقراری ارتباط در یک نظام باز صورت می‌پذیرد، اما اصل جاذبه و دافعه برای مدیر به طور متعادل از اهمیت زیادی برخوردار است. مدیر اسلامی اولین برخورد خود را با حسن‌ظن آغاز می‌نماید، اما هیچ‌گاه برخورد بینی تکیه نمی‌کند. امام علی(ع) در خصوص انتخاب افراد به مالک اشتر چنین توصیه می‌کند: «ثُمَّ لَا يَكُنْ اخْتِبَارَكَ اِيَّاهُمْ عَلٰى فَرَاثِكُمْ اَسْتَاثِمَاتِكُمْ وَ حُسْنِ الظَّنِّ مِنْكُمْ»؛ سپس در انتخاب آن‌ها هرگز به فراست و خوش‌بینی و خوش‌گمانی خود تکیه مکن.

با مطالعه این بخش از عهدنامه، روشن می‌شود که امام(ع) علاوه بر این که به کارگزار (مالک) دستور می‌دهند پس از شناخت کامل، عمل کند، وی را از سه چیز بر حذر می‌دارد: الف) اعتماد بر هوشیاری خود؛ ب) چشم‌پوشی و سهل‌انگاری؛ ج) خوش‌بینی و خوش‌گمانی.

مطلب دیگر این که نوع برخورد با کارکنان و مردم در چنین ساختاری بر پایه شورا و جلب مشارکت مردمی استوار است و مدیر، مردم را وارثان واقعی تلقی می‌نماید و خود را خدمت‌گزاری بیش نمی‌داند.

ایجاد انگیزش در ذی نفعان

انگیزه، دلیل بروز رفتار است و جهت کلی آن را تعیین می‌کند. همه افراد دارای نیازهای مختلفی هستند و تمامی آن‌ها برای گرفتن عنان رفتارهای افراد با هم در رقابت‌اند. برخی بر این باورند که قوی‌ترین نیاز انسان‌ها، تعیین‌کننده نوع رفتار آن‌ها در لحظات خاص است بنابراین، درک مهم‌ترین نیازهای افراد توسط مدیران از اهمیت خاصی برخوردار است. مدیران محلی باید کوشش کنند، فضای مناسبی را برای برانگیختن مردم در تمام سطوح پدید آورند. در نظام مدیریت اسلامی، ایجاد انگیزه فقط براساس نیازهای اولیه نیست و نیز نمی‌توان ادعا نمود که بر مبنای نیازهای ثانوی صرف است، ولی می‌توان گفت: هم نیازهای فیزیولوژیکی وهم احتیاجات زیستی می‌توانند از شاخص‌های مهم باشند. داشتن صبغه الهی در کارها، شاخصی تعیین‌کننده در انگیزش افراد در نظام مدیریت اسلامی است؛ بدین معنا که مدیریت محلی باید به گونه‌ای باشد که انسان‌ها در آن به کاری بیشتر برانگیخته شوند که آن فعالیت رنگ الهی به خود گرفته است. رنگ الهی با فطرت انسان سازگارتر است و آن بهترین رنگ‌هاست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «صَبَغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره: ۱۳۸).

استفاده از ظرفیت تمام اقشار جامعه متناسب با توانایی‌ها

نظام مدیریت اسلامی در مقایسه با دیگر نظام‌ها، محتوایی انگیزشی و درعین‌حال، لطیف دارد. در این نظام، هرکس ابتدا باید با خود بستیزد و به تعادل درون با بیرون دست یازد. به عبارت دیگر خویشن‌داری رهاورد چنین ستیزی است و همین معنای «تقوای فردی» است. مبنای انگیزش برای مهار و ارزیابی، در نظام مدیریت اسلامی مفهومی غیرقابل انکار است. استعدادها و ظرفیت‌های افراد در نحوه ارزیابی، اثر بسزایی دارند، این تأثیر به حدی است که ظرفیت انسان‌ها، ملاک تکلیف کردن قرار می‌گیرد، چنان که قرآن می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶)؛ خداوند هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند.

نحوه تصمیم‌گیری در مدیریت محلی اسلامی باید به صورت اقتضایی و مشارکتی باشد و اصل مهم «شور» در این نظام مبنای قرار گیرد. البته مدیر پس از رایزنی و به مشورت گذاردن مسائل و تجزیه و تحلیل آن‌ها و بر اساس استوکل، خود تصمیم می‌گیرد.

هنگامی که بحث حفظ شأن و مرتبه انسان‌ها در سازمان و جامعه مطرح می‌شود و تعالی انسان‌ها و رشد آن‌ها در مسیر الهی در اولویت اول قرار می‌گیرد و سازمان اسلامی، جای انسان سازمانی را می‌گیرد. (این بحث جدا از نیت عمل، و نیز وظیفه‌گرا بودن مسلمان، در دیدگاه الهی اسلام از مباحث مهم و تعیین‌کننده است). براساس مبانی نظری مدیریت محلی و همچنین با توجه به تجربیات ایران و جهان در این زمینه و با الهام از مبانی ایرانی - اسلامی ویژگی‌های بومی مطلوب محله‌ای و مدیریت توسعه محله‌ای در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های بومی مطلوب محله‌ای در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه محله‌ای

ویژگی‌ها / راهبردها	سیاست برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه محله‌ای
توسعه سلامت بهداشتی و اجتماعی + تدوین برنامه سلامت بهداشتی و اجتماعی + گسترش سخت افزاری و نرم افزاری سلامت بهداشتی و اجتماعی + توانمندسازی مردمی و محلی سلامت بهداشتی و اجتماعی + مشارکت‌های مردمی و شراکت‌های بینا بخشی و بینا سازمانی	محله سالم (سالم‌سازی محله)
کاهش مخاطرات + ایمن سازی + رفاه سازی + استفاده چند منظوره از فضاها + سالم سازی + گسترش فرهنگ شهری استفاده از فضاها	محله مناسب و بهینه (مناسب‌سازی و کاربری بهینه فضاها)
کاهش بزهکاری + کاهش اتلاف وقت + بازشناسی مسائل اجتماعی + آموزش فرهنگی اجتماعی خانواده + پربار کردن اوقات فراغت + سامان‌دهی تکی‌گری / دست فروشی / کارتن خوابی + مناسب سازی فضا برای ناتوانان و معلولان	محله بسامان (سامان‌دهی آسیب‌های اجتماعی)
مشارکت مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه امنیت اجتماعی + توسعه مراکز بازپروری + تکریم سالمندان + حمایت از زنان محروم + مبارزه با وندالیسم + آسیب‌کاهی اجتماعی	محله امن (توسعه امنیت اجتماعی)
توسعه آموزش‌های شهروندی + اطلاع‌رسانی شهروندی + آگاه‌سازی شهروندی + کاهش تنش‌های فرهنگی اجتماعی	محله شهروندمند (اخلاق‌سازی شهروندی)
توسعه مراکز تفریحی فراغتی + توسعه مراکز ورزشی + توسعه تهران‌گردی + توسعه فرهنگ ورزش همگانی	محله شاداب (توسعه تفریح + ورزش + گردشگری)
گسترش مراسم آیینی مذهبی و ملی + توسعه مساجد + گسترش بزرگداشت‌ها + توسعه مدارس	محله هویتی (تقویت هویت ایرانی -)

اسلامی)	
محلّه خردمند (مدیریت علمی محلّه)	مدیریت علمی کارشناسی فضاها/ فرایندها/ مسائل محلّه‌ای + خردمداری جمعی در مدیریت محلّه + اصلاح ساختارهای اداری شهرداری

نتیجه‌گیری

شهر ایرانی - اسلامی، متشکل از مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط و ارتباطات چهارگانه انسان با خدا، خود، محیط و سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها منبعث از قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) است و دربردارنده شرایط و مقتضیات زمانی - مکانی ایران است.

زمانی می‌توان در شهر ایرانی - اسلامی صفت اسلامی را به شهر اطلاق نمود که شهر براساس تعالیم اسلامی به وجود آمده و به گونه‌ای در خدمت انسان قرار گرفته باشد و در عین پاسخ‌گویی به نیازهای مادی او، وی را به سمت تعالی و ارزش‌های اسلامی هدایت نماید. بیان ایرانی برای شهر نیز بیانگر مصداق مکانی بودن شهر است. شهر ایرانی - اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی در پهنه و گستره ایران است. یکی از شاخص‌های هویت‌دهنده به شهر ایرانی - اسلامی، موضوع مدیریت آن است. در مدیریت شهر ایرانی - اسلامی موضوع اصلی حفظ شأن و مرتبه انسان‌ها در سازمان و جامعه و به دنبال آن تعالی انسان‌ها و رشد آن‌ها در مسیر الهی است.

ویژگی‌های مدیریت بر مبنای آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی نشأت گرفته از مبانی فکری و عقیدتی اسلامی و همچنین وجوه تفاوت آن با سایر انواع مدیریت را می‌توان در شاخصه‌های زیر برشمرد:

- جهان‌بینی مدیر،
- مهارت‌ها و توانایی‌های مدیر،
- جلب رضایت عموم مردم،
- داشتن ویژگی‌های روانی و رفتاری مناسب،
- برقراری ارتباط مناسب با ذی‌نفعان،
- ایجاد انگیزش در ذی‌نفعان

- استفاده از ظرفیت تمام اقشار جامعه متناسب با توانایی‌هایی آنان.

براساس مبانی نظری مدیریت محلی و همچنین با توجه به تجربیات ایران و جهان در این زمینه و با الهام از مبانی ایرانی - اسلامی اساس سیاست برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه محلی را می‌توان در داشتن محله سالم، مناسب و بهینه، سامان، امن، شهروندمند، شاداب، هویتی و خردمند دانست.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴، لسان‌العرب، دار صادر، بیروت، لبنان.
۴. اخوت، هانیه؛ نینا الماسی فر و محمدرضا بمانیان. (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، انتشارات هله، تهران.
۵. ایازی، سید علی نقی، (۱۳۸۷). تبیین اندیشه اسلامی شهر و شهرنشینی با تأکید بر متون برون دینی، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۶. باوندیان علیرضا، (۱۳۷۸). زیبایی‌شناختی معماری اسلامی، اصفهان.
۷. بعلی، فؤاد (۱۳۸۲). جامعه، دولت و شهرنشینی در تفکر جامعه‌شناختی ابن‌خلدون، ترجمه: غلامرضا جمشیدی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۸. بمانیان، محمدرضا، (۱۳۹۱). توانمندی مدیریت بر پایه بنیان‌های ایرانی - اسلامی، همایش هویت شهر ایرانی - اسلامی، سازمان زیباسازی شهرداری تهران، تهران.
۹. بمانیان، محمدرضا و هادی محمودی‌نژاد، (۱۳۸۷). مدیریت شهر در کلام ولایت، مؤسسه فرهنگی اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰)، مجموعه آثار آیت‌الله جوادی آملی، لوح فشرده اسراء، قم.
۱۲. داوودآبادی فراهانی، حسن. (۱۳۹۰). مدیریت شهر اسلامی، نشر قطران، تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیه، بیروت.
۱۴. شکرانی، رضا، (۱۳۷۸). مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی، نخستین همایش

آرمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

۱۵. فرید، یدالله. (۱۳۷۵)، جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ هفتم، تبریز.
 ۱۶. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 ۱۷. مرتضی، هشام. (۱۳۸۷). اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه: ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
 ۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، تهران: نشر صدرا.
 ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). تفسیر نمونه، جلد دهم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، تهران.
 ۲۰. نصر، سید حسین. (۱۳۵۷). هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
 ۲۱. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۳)، بارزهای شهر و معماری اسلامی، نامه فرهنگستان علوم، تهران، ۲۶ و ۲۷، ۴۳-۷۴.
 ۲۲. نقی زاده، محمد. (۱۳۹۰). ریشه های شهر اسلامی در متون اسلامی، ماهنامه کتاب ماه هنر، ۱۲-۲۶.
 ۲۳. نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹). صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم، نشریه قرآن و حدیث، ۴-۴۰.
 ۲۴. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۹)، تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تمدن اسلامی، ماهنامه کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۴.
25. Jamalinezhad, Mahdi & Seyed Mohammadreza Talakesh & Seyed Hassan Khalifeh, Soltani, (2012). Islamic Principles and Culture Applied to Improve Life Quality in Islamic Cities, Social and Behavioral Sciences 35: 330-334.
26. Butterfield, Clare (2004). Faith in Place, Harvard University center for the Environment.
27. Canter, D. (1971). The psychology of place, the architectural press, London.